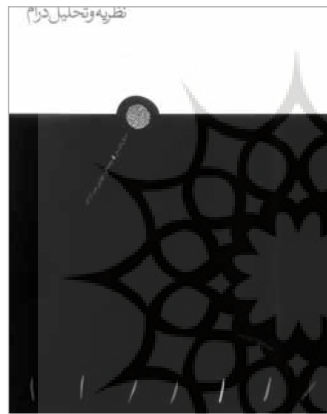


تحلیل درام



نظریه و تحلیل درام

مانفرد فیستر

ترجمه‌ی مهدی نصراله زاده

انتشارات مینوی خرد، ۱۳۸۷

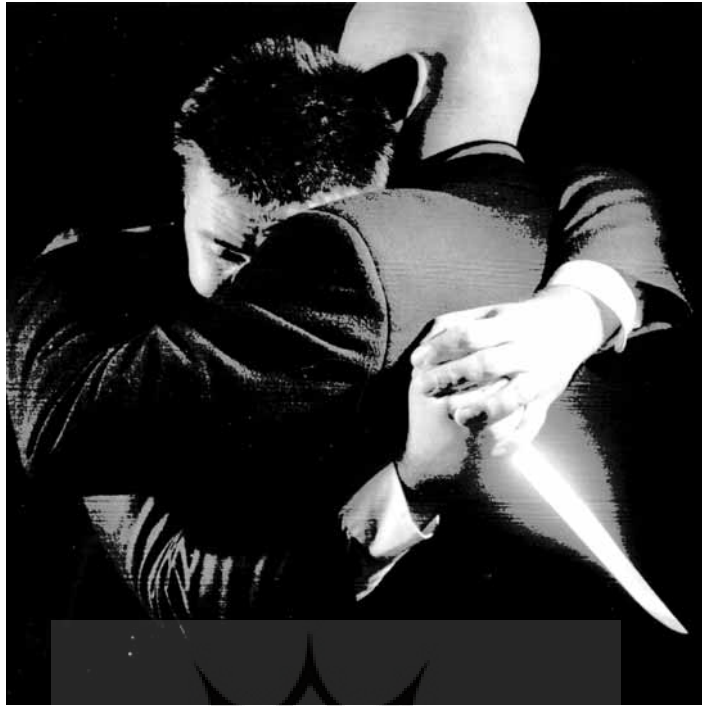
کتاب در کشورهای آلمانی زبان - ترجمه انگلیسی هم‌زمان با چاپ پنجم اصل آلمانی کتاب به بازار می‌آید - و واکنش‌های مثبت به آن، زمینه‌ی ترجمه‌ی انگلیسی کتاب را فراهم می‌سازد. مترجم انگلیسی کتاب نظر به مخاطبان جدید و لزوم اصلاحات در متن اصلی از جمله کنار گذاشتن قطعاتی از نمونه‌های نسبتاً مهجور در درام آلمانی و حذف بسیاری از ارجاعات به مطالعات دانشگاهی کم‌اهمیت‌تر و کهنه شده‌ی آلمانی، تغییراتی در کتاب صورت داده است. خیزش در حوزه‌ی نشانه‌شناسی تئاتر، فضای بحث‌های انتقادی را به گونه‌ای عوض کرده که منجر به بازنگری برخی از مطالب اصلی کتاب شده است.

در سرلوحه‌ی کتاب آمده است که:

«چه می‌شد اگر مردم سرانجام روزی از کلی‌گویی درباره‌ی درام دست می‌کشیدند» این جمله از کتاب هوفمانشتال (گفتاری در باب نمایش‌نامه «تاسو» نوشته گوته) می‌تواند مانند جمله‌ای انتقادی علیه خود آن تعبیر شود، چرا که هرگونه تلاشی برای سخن گفتن درباره‌ی درام به شیوه‌ای کلی درباره‌ی نمایش‌نامه‌های خاصی که درام‌نویسانی همچون گوته یا شکسپیر نوشته‌اند، محکوم به شکست قطعی است. به نظر نویسنده این امر می‌تواند بر کتاب حاضر نیز صادق باشد، چرا که کتاب قرار است نظریه‌ای کلی درباره‌ی درام باشد. اما نویسنده انتقاد هوفمانشتال را متوجه کسانی که دوست دارند درباره‌ی درام به شیوه‌ای

رسیدن به «منسجم‌ترین، نظام‌مندترین و کارآمدترین فرازبان ممکن برای تحلیل و توصیف متون دراماتیک» هدف مانفرد فیستر در نگارش کتاب حاضر است. در این راستا نویسنده‌ی نظریه‌ی ارتباط و الگوی نظام ارتباطی را مبنا قرار داده و کوشیده است در ذیل این الگوی کلی، دستاوردهای کنش تحلیلی و انتقادی در حوزه‌ی درام را یک جا جمع کند. از ویژگی‌های کتاب، توجه به حضور مؤلفه‌های روایی در درام و به‌طور کلی توجه به وجود پیوندهای تاریخی و ساختاری میان درام و روایت است. در نگاهی کلی‌تر ویژگی متمایز کتاب، تلاش برای درآمیختن رویکرد تحلیلی و ساختاری با رویکرد تاریخ‌نگر در عرصه‌ی مطالعات درام و تحولات مربوط به آن است. امری که باعث شده کتاب «نظریه و تحلیل درام» در عین غلبه‌ی رویکرد تحلیلی و ساختاری در آن، دربردارنده‌ی طرحی کلی از تاریخ درام نیز باشد. این امر به طور آشکار در ارجاعات فراوان کتاب به نمایش‌نامه‌ها و نمایش‌نامه‌نویسان ادوار تاریخی مختلف نمود پیدا کرده است.

کتاب حاضر نخستین بار در سال ۱۹۷۷ به زبان آلمانی به چاپ رسید، زمانی که کتاب به جهت تلاش برای پرکردن شکاف بین مطالعات انجام شده در حوزه‌های درام و تئاتر و نیز به لحاظ طرح الگویی برای نوعی تحلیل هماهنگ از سطوح مختلف ارتباط کلامی و غیر کلامی در متون دراماتیک قابل اجرا بر روی صحنه اثری پیشتاز بود. تداوم موفقیت این



کلی‌تر بگویند، نیست بلکه این حمله را متوجه کسانی می‌داند که بی‌پروا درباره‌ی اینکه درام چه باشد، احکام کلی صادر می‌کنند. نویسنده با اینکه معتقد است هر چند قصد بناکردن نظریه‌ای کلی و نظام‌مند است، اما وی کوشیده در دام ارزش داورهای هنجاری و تجویزی نیفتد. نویسنده علاقه‌ای به ارائه‌ی تعریفی جامع از درام در تمامیت آن ندارد، بلکه در پی فراهم‌کردن توصیفی مشروح و باریک‌بینانه از ساختارها و فرآیندهای متن‌پردازانه‌ی آن بوده است.

هدف اساسی نویسنده در ابتدا، ارائه کردن تحقیقی نوآورانه به لحاظ علمی یا نظری نیست، بلکه وی بر آن است دانسته‌های قبلی را در قالب نوعی نظام جامع و فراگیر ادغام کند و با واردکردن ارجاعات کتاب‌شناختی در نقاط مناسب، آن را برای خواننده دستیاب‌تر سازد. نویسنده هدف از نگارش کتاب را با مد نظر داشتن خوانندگانی مشخص و فراهم‌کردن مقدمه‌ای بر تحلیل عملی درام، ایجاب این معنا بوده است که از فکر اثبات روش‌شناختی و نظری کوشش‌های خود و جای آنها در بطن بحث و جدل پایان‌ناپذیر روش‌شناختی چشم‌پوشد. به نظر فیستر منسجم‌ترین، و کارآمدترین فرازبان ممکن برای تحلیل و توصیف متون دراماتیک به جای سرگرم‌شدن به ساخت فرآیندهای مختلف بود.

کتاب در شش فصل ارائه شده است:

- درام و امر دراماتیک (خلاصه‌ای انتقادی از نظریه‌های موجود، دیالوگ و موقعیت گفتاری دراماتیک، درام به مثابه شکلی چند رسانه‌ای از عرضه داشت، درام در متن فعالیت‌های اجرایی - عمومی)
 - درام و تئاتر (متن ادبی و اجرای صحنه‌ای، متن دراماتیک و طراحی تئاتر، درام و فیلم، تئاتر به مثابه نهادی اجتماعی)
 ارسال و دریافت اطلاعات (اطلاعات در نظام‌های ارتباطی درونی و بیرونی، اطلاعات قبلی و افق انتظارات مخاطب، رابطه‌ی متقابل اطلاعات

کلامی و غیر کلامی، سطوح آگاهی در نزد نقشواره‌های دراماتیک و در نزد مخاطب، ساختار متون دراماتیک از حیث نظرگاه، ساختارهای ارتباطی درام، عنصر توالی و انتقال اطلاعات)

- ارتباط کلامی (زبان دراماتیک و زبان عادی، چند کارکردی بودن زبان دراماتیک، ارتباط کلامی و نقشواره‌ی دراماتیک، گفتار تک‌گویانه، گفتار گفت‌وگویی)

- اشخاص نمایش و نقشواره‌ی دراماتیک (وابستگی متقابل طرح و نقشواره، جایگاه نقشواره‌های دراماتیک، اشخاص نمایش و پیکربندی و منظومه‌ی نقشواره‌ی، تصور و شخصیت‌پردازی نقشواره)

- داستان و طرح (داستان و طرح و موقعیت، عرضه داشت داستان، ترکیب رشته‌های کنش، تقسیم‌بندی و ترکیب‌بندی)

- ساختارهای زمان و فضا (واقعیت و داستانتیت زمان و فضا در درام، ساختارهای باز و بسته‌ی زمان و فضا، ساختار و عرضه‌داشت فضا، ساختار و عرضه‌داشت زمان).

سخن پایانی، یادداشت‌ها، کتاب‌شناسی، واژه‌نامه و نمایه‌ی نام‌ها بخش پایانی کتاب را شکل داده است.

اما هدف از فهرست مطالب مفصل و تحلیلی کتاب - چارچوبی یکپارچه و درهم تنیده برای تقسیم بخش‌های مختلف براساس جایگاه هر بخش در سلسله مراتب ساختاری - و نمایه‌ی نام‌ها کمک به خواننده و آسان‌تر کردن کار او در جست و جوی بعدی او در هر مورد است.

به جهت جنبه‌ی مقدماتی و عمومی کتاب، نویسنده از هرگونه تحلیل نظام‌مند درباره‌ی مسائل خاص مرتبط با تراژدی، کمدی و تراژدی - کمدی دوری جسته، هم‌چنین رویکرد تاریخی به درام را نیز همراه با ژانرها و زیرژانرهای مختلف آن کنار گذاشته و به جای آن به مطالعه‌ی فرآیندهای متن‌پردازانه و ساختارهای عام در شیوه‌ی دراماتیک روی آورده است.



طیف گسترده‌ای از خوانندگان با این

نمایش‌نامه‌ها آشنا هستند.

نتیجه

نویسنده در فصل‌های مختلف کتاب تلاش کرده است مهم‌ترین جنبه‌های ساختاری متون دراماتیک و ارتباط تئاتری را به شیوه‌ای منسجم و نظام‌مند بررسی کند. گستره‌ی کار فیستر وسیع است و وی می‌کوشد در مورد ابعاد دراماتیک و تئاتری نمایش‌نامه‌ها حق مطلب را ادا کند و از رهگذر نمونه‌های برگرفته از مهم‌ترین ادوار درام غربی، امکانات ساختاری را نشان دهد.

به نظر فیستر حتی اگر این تحقیق تاریخچه‌ای از درام و تئاتر هم نباشد، ابزارهای ساختاری مناسب برای نوشتن چنین تاریخ یا شاید چنین تاریخ‌هایی، در اختیار ما قرار می‌دهد. چرا که در درون شبکه‌ی مقوله‌بندی‌های نظام‌مند تحقیق حاضر، تاریخ نشان خود را حک کرده است حتی اگر در زمان‌هایی هم کناری‌های اغلب تند و تیز کم‌دی لاتین با تئاتر ابزورد، و تراژدی شکسپیر با تراژدی کلاسیک فرانسه، به این کتاب صبغه‌ای به شدت غیرتاریخی، اگر نه ضد تاریخی بخشیده است. باید تاکنون التزام آن به مطالعه‌ی متون منفرد با عنایت به خاص بودن تاریخی آن‌ها، و مطالعه‌ی تاریخ درام و تئاتر به طور کلی، روشن شده باشد. بنابراین نظام و تاریخ، مقوله‌بندی نظام‌مند و تفسیر تاریخی، اموری مانع‌الجمع نیستند، بلکه متضمن یکدیگر و لازم و ملزوم هستند.

این ویژگی اساسی مطالعه‌ی فیستر است و این مطالعه تا جایی برای خواننده سودمند است که مقوله‌بندی‌های مختلف آن را به شکل مکانیکی به کار نگیرد، بلکه آنها را به شکلی تاریخی دربرگیرد و منقح سازد. این خواننده به این مطلب نیز واقف خواهد شد که کتاب به جد کردن ساختارها یا سطوح ارتباط تئاتری به مثابه هدفی فی‌نفسه علاقه ندارد، بلکه به آنها به عنوان پیش شرط‌هایی برای ارائه‌ی نحوه‌ی مرتبط بودن آنها به یکدیگر علاقه‌مند است.

فیستر اشاره می‌کند که به رغم مقوله‌بندی‌های اغلب پیچیده از مشخصه‌های ساختاری مجزا، این‌هاست آنچه محل تأکید بوده است: چگونگی ارتباط متقابل سطوح مختلف ارتباط کلامی با ارتباط غیرکلامی، طرح با شخصیت، و زمان با فضا، و نحوه‌ی عملکرد این ساختارهای درونی متون دراماتیک در بطن زمینه‌های گسترده‌تر تئاتر به مثابه نهادی متغیر به لحاظ تاریخی، مقاصد نویسندگان و انتظارات مخاطب، و شرایط اجتماعی و چارچوب‌های ایدئولوژیک.

نویسنده متذکر می‌شود که از تلاش

برای تلفیق متون تاریخی خاص یا دگرگونی‌های

ساختاری ویژه در درون تحلیل حاضر نیز فروگذار نکرده

است، و هر بار که چنین کرده، به امید آن بوده است که کیفیت

نمونه‌وار آن‌ها را به عنوان الگوهایی ساختاری نشان دهد، نه آنکه تنها تعداد تحلیل تاریخی بی‌ارتباط با این یا آن نمایش‌نامه‌ی خاص ارائه کرده باشد.

به نظر نویسنده هدف از تنوع گسترده‌ی سنخ‌شناختی و تاریخی متون دراماتیکی که اساس تحقیق حاضر را تشکیل داده‌اند، نشان‌دادن کارایی عام الگوهای نظری مورد استفاده، و هم‌چنین نشان‌دادن گستره و تنوع شیوه‌های تحقق هر یک از آن ساختارها و فرآیندهای متن‌پدازانه است. با این وجود، تنوع مورد اشاره بیشتر از منظر سنخ‌شناسانه و نظام‌مند، و نه تاریخی و در زمانی، توصیف می‌شود. به باور فیستر محدودیت دیگر درباره‌ی مسائل مرتبط با کارکردهای ارتباطی درام در جامعه به مثابه یک کل، چه در زمینه‌ی نظام‌مند آن و چه در جریان رشد و پیشرفت تاریخی‌اش، تنها ارائه‌ی تصویری کلی امکان‌پذیر بوده است. پذیرش چنین محدودیتی از آن رو بوده که مؤلف احساس کرده است باید بر روی ساختارهای موجود در درون متون دراماتیک متمرکز شود. حتی در این موارد هم فیستر ناگزیر شده است برخی از جنبه‌ها را که خاص متون دراماتیک نبوده است، مانند تحلیل بافت سبکی، وزن و ریتم، و ژرف ساخت «داستان» عرضه داشته شده، کنار بگذارد. در مقابل وی بر ساختارهای طراحی صحنه در پیوند با نمایش‌نامه‌های خاص، انتقال چند رسانه‌ای اطلاعات، عرضه داشت نقشواره و داستان، ارتباط از طریق مونولوگ و دیالوگ، و ساختارهای زمان و فضا متمرکز می‌شود. با این وجود در چارچوب مطالعه‌ی مقدماتی بیشتر این مباحث کلی و تا حدی موقت باقی مانده‌اند.

متن‌های اصلی که به عنوان نمونه‌های خاص نسخه‌های ساختاری مختلف انتخاب شده‌اند از مجموعه‌ی کل متون دراماتیک موجود گزینش شده‌اند، اما معیارهای مؤثر در انتخاب آنها همیشه به تمامی منسجم به نظر نمی‌رسد. مؤلف مجموعه‌ای فراملی با گسترده‌ترین مبنای تاریخی و سنخ‌شناختی گردآورده و برای این هدف تلاش کرده خود را به شاخص‌ترین آثار محدود کند. از طرفی آشنایی محدودش با ادبیات دراماتیک جهان آزادی انتخاب را از او گرفته است. بنابراین به‌ناچار به طور مستمر به آثار شکسپیر مراجعه کرده و تصمیم به این امر بیشتر به این بوده است احتمالاً